



مواضع تشکیلات خودگردان و اعراب؛ عامل تصمیم واشنگتن علیه قدس اشغالی

مقامات ایالات متحده آمریکا اخیراً از تصمیم واشنگتن برای عملیاتی ساختن انتقال سفارت این کشور از تل آویو به قدس اشغالی در روز 14 می (24 اردیبهشت ماه) مصادف با هفتادمین سالروز فاجعه اشغال اراضی فلسطینیان، خبر داده اند.

به گزارش آران نیوز: مقامات ایالات متحده آمریکا اخیراً از تصمیم واشنگتن برای عملیاتی ساختن انتقال سفارت این کشور از تل آویو به قدس اشغالی در روز 14 می (24 اردیبهشت ماه) مصادف با هفتادمین سالروز فاجعه اشغال اراضی فلسطینیان، خبر داده اند. درحالی که چند ماهی است ایالات متحده آمریکا از تصمیم خود در این زمینه پرده برداشته است، اما در طول این مدت شاهد هیچگونه موضع قاطعانه و منطقی - چه از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین و چه از سوی کشورهای جهان عرب - در برابر چنین تصمیمی نبوده ایم.

واکنش شفاهی و بی اثر تشکیلات خودگردان

واقعیت این است که تشکیلات خودگردان فلسطین از زمان اعلام تصمیم ایالات متحده آمریکا علیه قدس اشغالی، تنها به حرف و کلام و اتخاذ مواضع شفاهی اکتفا کرده است؛ موضعی که تحت هیچ شرایطی منافع و مصالح ایالات متحده آمریکا در اراضی اشغالی را تحت تأثیر قرار نمی دهد. زمانی که مقامات آمریکایی مشاهده می کنند که مواضع گروه هایی نظیر تشکیلات خودگردان نه منافعشان را به خطر می اندازد و نه امنیت ملی شان را با مخاطره مواجه می سازد، بنابراین کاملاً طبیعی است که بر تصمیم خود مبنی بر لزوم انتقال سفارت واشنگتن از تل آویو به بیت المقدس پافشاری کرده و در نهایت در صدد عملیاتی ساختن آن برآیند. دیپلماسی ایالات متحده آمریکا طی دهه های گذشته به خوبی این واقعیت را نشان داده است که واشنگتن در برابر گام ها و اقدامات عملی ممکن است در مواضع خود تجدیدنظر کند اما هیچگاه درمقابل مواضع شفاهی چنین اقدامی نکرده و نخواهد کرد. در خصوص تصمیم کاخ سفید برای انتقال سفارت به بیت المقدس نیز همین مسأله صادق است و آمریکایی ها برای موضعی که در حرف و کلام محدود و محصور می شوند، هیچ ارزشی قائل نیستند.

ناتوانی از ایستادگی در برابر واشنگتن

واقعیت امر این است که تشکیلات خودگردان فلسطین با توجه به وضعیتی که هم اکنون دارد، قادر به مخالفت با ایالات متحده آمریکا در خصوص انتقال سفارت واشنگتن به قدس اشغالی نیست. علت اصلی این مسئله نیز به چند عامل باز می گردد. اولین دلیل این است که تشکیلات خودگردان فلسطین با مشکلات و معضلات مالی بسیاری مواجه است و برای بقای خود در عرصه سیاسی فلسطین به حمایت های مالی ایالات متحده همچون گذشته به شدت نیازمند است. دلیل دوم نیز آن است که تشکیلات خودگردان فلسطین به هیچ وجه همپیمانی خود با ایالات متحده آمریکا و شرکاکتش با سران کشورهای عربی را قربانی هیچ مسئله ای نخواهد کرد؛ حتی اگر این مسئله انتقال سفارت آمریکا به قدس باشد.

اطمینان کاخ سفید از مواضع عربی و بین المللی

این مسئله را نیز نباید نادیده گرفت که تصمیم ایالات متحده آمریکا علیه قدس اشغالی پس از حصول اطمینان آن از مواضع سران کشورهای عربی، اتخاذ شد. واشنگتن هیچگاه از جهت مواضع سران کشورهای جهان عرب و جهان اسلام نگرانی نداشته است. درست به همین دلیل است که به سادگی از تصمیم خود پرده برداشت. در همین راستا، «رکس تیلرسون» وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا پیشتر صراحتاً بر این مسئله صحنه گذاشته و گفته بود: «واشنگتن دغدغه ای در خصوص مواضع اعراب نسبت به انتقال سفارتش به قدس ندارد». اعتقاد دارم که پس از حدوث این اتفاق یعنی انتقال سفارت آمریکا به قدس اشغالی، هیچ اتفاقی برای واشنگتن و تل آویو نخواهد افتاد. بدون شک این اقدام از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و تمامی سازمان ها و نهادهای تابعه سازمان ملل مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

تداوم مذاکره به مثابه اعطای مشروعیت

به این نکته باید توجه داشت که در صورت انتقال سفارت ایالات متحده آمریکا به قدس اشغالی، هرگونه ازسرگیری مذاکرات سازش میان تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم اسرائیل به مثابه اعطای مشروعیت به تمامی اقدامات آمریکایی ها و اسرائیلی ها علیه قدس است. چنین اقدام احتمالی از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین، حاوی هیچ پیامی غیر از این نخواهد داشت که «قدس پایتخت یکپارچه اشغالگر است». آمریکا نیز همین را می خواهد، چراکه از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در حدود 14 ماه پیش، واشنگتن از «معامله قرن» در فلسطین سخن می گوید. بدون شک همانگونه که پیشتر اشاره شد، کشورهای عربی هیچ مخالفتی با آنچه که آمریکایی ها از آن به عنوان معامله قرن یاد می کنند، نخواهند داشت. شاید برخی بنود و مفاد مربوط به معامله قرن تغییر کند و زمان اجرای آن نیز با تغییراتی مواجه شود، اما آنچه که مسلم است، این است که این پروژه به طور کلی مد نظر کاخ سفید بوده و خواهد بود.

پروژه «معامله قرن» ایالات متحده آمریکا در حقیقت قطعه از پازل مربوط به «خاورمیانه جدید» محسوب می شود. واشنگتن برای عملیاتی ساختن خود و جامه عمل پوشاندن به رؤیای تشکیل خاورمیانه جدید، معامله قرن در فلسطین را مطرح می کند.

خاورمیانه جدید از منظر آمریکایی ها به معنای روی آوردن تمامی کشورهای آن به عادی سازی روابط با رژیم اسرائیل است. خاورمیانه جدید برای آمریکا، خاورمیانه ای است که در آن هیچ مانعی در برابر روابط حسنه و مستحکم میان کشورهای مختلف با تل آویو وجود نداشته باشد.

تمایل اعراب به باقی ماندن زیر چتر آمریکا

در شرایط کنونی که مسئله فلسطین وارد مرحله تازه ای شده است، باید گفت که عموم کشورهای منطقه ای و به ویژه سران کشورهای عربی، تمایل زیادی به باقی ماندن تحت چتر حمایتی ایالات متحده دارند. در این میان، تنها راه مقابله با اقدامات ایالات متحده آمریکا علیه قدس اشغالی، وضع یک استراتژی ملی فراگیر جدید است. در شرایط کنونی هیچ گزینه ای نمی تواند همچون گزینه استراتژی ملی فراگیر جدید برای فلسطینیان جهت مقابله با تل آویو و واشنگتن، تأثیرگذار باشد. یکی از مهمترین ستون های این استراتژی می تواند سپردن اداره امور فلسطین به دولت وفاق ملی باشد. همچنین می بایست یک «میثاق نامه وفاق» به عنوان یک برنامه ملی برای فلسطین تهیه شود. در این میثاق نامه باید بازنگری تمامی توافق نامه ها و تفاهم نامه های فلسطین با طرف های خارجی مورد بازبینی قرار گیرند. گروه های فلسطینی می بایست به صورت کاملاً واحد و یکپارچه، حمایت عملی کشورهای عربی و اسلامی از مسئله فلسطین و قدس اشغالی را از سران این کشورها خواستار شوند.

منبع: پایگاه عربی «فلسطین آنلاین»

معین المناع: تحلیلگر مسائل استراتژیک

مترجم: اکرم آزادی مهرگانی